

## واکاوی مؤلفه‌های پارادایم پدیدارشناسی در مفاهیم معماری مسکن تاریخی (نمونه مطالعاتی: خانه دهدشتی اصفهان)

<sup>۱</sup> سمانه ایزدی زمان آبادی<sup>۱</sup>، محمدعلی رحیمی<sup>۲\*</sup>، علی اکبری<sup>۳</sup>، احمدرضا کابلی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر دکتری، گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. نویسنده مسئول.

<sup>۳</sup> استادیار، گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار، گروه معماری، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

### چکیده

پدیدار ادراک اصلی‌ترین سطح تماس و ارتباط ما با جهان است که سطوح دیگر تجربه و فرهنگ و شناخت و فهم و تعقل استوار به آن هستند. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر بدان جهت است که آنچه باعث بسیاری از مشکلات معماری معاصر شده است، تفوق بینایی بر حواس دیگر و عدم توجه به این حواس است. به نظر مطمئن‌تر و دقیق‌تر آن است که وضعیت پدیدارشناسی در معماری و تحلیل محیط را یک پارادایم در حال توسعه و روبه‌رشد نامید. پژوهش حاضر با سوال مفاهیم شکل‌دهنده ادراک در خانه تاریخی کدام‌اند و کدام یک از مفاهیم در خانه‌های معاصر نیاز به بازاندیشی داشته و کدام باید حفظ شود؟ به بازشناسی و چستی مؤلفه‌های پارادایم پدیدارشناسی در مفاهیم معماری مسکن تاریخی با انتخاب هدفمند نمونه مورد پژوهش در شهر اصفهان می‌پردازد. هدف نهایی پژوهش، تجربه زیسته و معماری خانه در جهت کشف رابطه عمیق آنها و بیان یک روش علمی برای تجربه ادراکی خانه هم‌زمان با روشن نمودن و تصریح میزان درگیری حس‌ها با فضا و اهمیت خصایص هستندگی استخراج شده از تجربه ادراکی در خانه‌های تاریخی است. این پژوهش به شیوه پدیدارشناسی بر پایه روش ترکیبی (کیفی و کمی) استوار است. از سه روش مصاحبه گروهی و مشاهده مشارکتی، روش ون‌منن و روش مطالعه تطبیقی برای گردآوری اطلاعات در خصوص مفاهیم معماری خانه تاریخی بهره گرفته شد. نتایج این واکاوی، نشان از تعامل بنا با برداشتهای ذهنی مخاطبان دارد که مجموعه حاضر را ضمن اهمیت تاریخی، به‌عنوان مکانی با ادراک حسی در فضای شهری تبدیل می‌کند. ادراک حسی خاص این بنا به سبب ارتباط با ذهنیت مخاطبان، تاثیرگذار بر رفتار آنان در تجربه فضایی، تمایل آنان به شناخت و ادراک حسی غنی از فضا و درک هماهنگی مجموعه با زمینه قرارگیری خود و کیفیت فعالیت‌ها، در احساس تعلق و خلق تصاویر ذهنی از فضا نزد شهروندان در این مجموعه تاریخی است.

**واژگان کلیدی:** مفاهیم معماری، مسکن تاریخی، پدیدارشناسی، ادراک حسی

\* نویسنده مسئول: MA.Rahimi@iaui.ac.ir

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "بازشناسی معیارهای کیفیت فضا مبتنی بر پدیدارشناسی ادراک (نمونه موردی خانه های تاریخی اصفهان)" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم، نویسنده سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر انجام شده است.

## مقدمه

خانه ایرانی به‌عنوان محفل و مکان جلوه‌گر شدن ارزش‌هایی برخاسته از فرهنگ، جامعه و بستر محیطی، بیانگر ارزش‌هایی گونه‌گون و پرشمار است که هویت و تشخیص‌های فرهنگی بهره‌وران را تعریف نموده و تنها مرز تعیین‌های فکری و سلیقه‌ای بر فرد فرد آنها اثرگذار بوده است (Varmaghani, 2021, 133). مطالعات تاریخی سبب می‌شود شناخت عمیق‌تری نسبت به زندگی و مسکن سنتی و دلایل شکل‌گیری آن به دست آوریم. در این صورت، منطق وجودی بسیاری از اشکال و اجزای مسکن آشکار شده و می‌توان قابلیت پاسخ‌دهی آن به نیازها را در گذشته و حال مورد سنجش قرارداد (Varmaghani and Soltanzadeh, 2022, 222). معماری آن‌گونه که تجربه و دریافت می‌شود، برچسب‌هایی مانند نظر مردم، نظر شخصی، نظر نا متخصصان یا نظر عامه خورده و کمتر مورد اعتنا قرار گرفته است و این موارد معمولاً در بهترین حالت به‌عنوان داده‌ای خام برای نظرسنجی یا مطالعات طراحی یا مطالعات قوم‌شناختی و کارهایی از این دست به کار می‌رود. مرلوپونتی در این باره می‌نویسد: ارج نهادن فراوان بر علم و دانش به حدی است که سراسر زیسته مان از جهان در برابر آن کم‌ارزش به نظر می‌رسد (مرلوپونتی، ۱۳۹۱، ۴۱-۴۲). پدیدارشناسی دقیقاً به همین تجارب زیسته می‌پردازد. به بیان میکل دوفرن که از پدیدارشناسان مطرح در حوزه زیبایی‌شناسی است، این تجربه، تجربه ناظر یا مخاطب اثر است نه تجربه هنرمند یا خالق اثر، به تعبیر دیگر پدیدارشناسی دریافت بر پدیدارشناسی خلاقیت اولویت دارد (مرلوپونتی، ۱۴۰۳). از این روی پدیدارشناسی می‌کوشد به معماری بپردازد، آن‌گونه که برای آدمی تجربه می‌شود.

خانه و مفاهیم معماری خانه‌های تاریخی، از فراگیرترین و درعین حال اختصاصی‌ترین فضای زندگی انسان‌ها، همیشه، چه در ایده و بیان کلامی و چه در عرصه خلق و ساخت برای معماران معاصر قابل توجه بوده است. کالبد خانه یا همان مسکن، یکی از ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین مفاهیم شکل‌دهنده معماری خانه‌های تاریخی است. شاید بتوان پذیرفت معماری با سرپناه و مسکن آغاز شده است. علاوه بر سابقه ساخت، تنها کافی است تا واژه خانه تاریخی بیان شود تا خاطره‌ها، آرمان‌ها، نشان‌ها و یادها در ذهن شنونده به وجود آید. اما آنچه حائز اهمیت است اینکه، صرف وجود مفاهیم معماری مسکن تاریخی، در شکل‌گیری مفهوم خانه در ادراک انسان معاصر کفایت می‌کند یا تغییر در آن می‌تواند بر مفهوم پدیدآمده نیز مؤثر باشد. این همان چیزی است که در پیشینه موضوع مهجور مانده و این پژوهش درصدد نزدیک شدن بدان را دارد.

از طرفی با توجه به آنکه در پدیدارشناسی محیط ساخته شده، دریافت داده‌های حسی و تبدیل آنها در فرایندهای پردازش ذهنی و بازنمایی و تداعی به معانی، مهم‌ترین نقش را دارند، پرداختن به مفاهیم معماری مسکن و ادراک آن اهمیت می‌یابد. نگاه ظریف پدیدارشناسانه به خانه در جهت تبیین رابطه آگاهانه انسان و جهان، در خانه‌های تاریخی، با تأکید بر حس و ادراک انسان در خانه صورت گرفته و در صدد شناسایی ساختارهای اصلی نسبت میان حس‌های انسان، ادراک فضای خلق شده و کشف معنای عمیق مستتر در تجربه ادراکی خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان بوده است. از این رو پاسخ به این سؤال که مفاهیم شکل‌دهنده ادراک در خانه تاریخی کدام‌اند و کدام یک از مفاهیم در خانه‌های معاصر نیاز به بازاندیشی داشته و کدام باید حفظ شود؟ مطرح می‌گردد. بر اساس آنچه بیان گردید، این پژوهش بر آن است که مفاهیم معماری خانه‌های تاریخی اصفهان را با سطح ادراکی از تجربیات انسان معاصر مورد تحلیل قرار دهد. چرا که امروزه برآورده‌نشدن برخی از نیازهای روحی و آسایشی مردم در معماری، سبب از میان رفتن تعامل میان ساکنان و مکان استقرارشان شده است. با توجه به اینکه در معماری گذشته ایران فضاهایی یافت می‌شد که تأثیر کیفیتی مثبتی را برای مردم داشته، در این پژوهش با شناخت مفاهیم معماری خانه‌های تاریخی و کشف معنای آنها با تمرکز بر روش مثلث‌سازی، نیازهای ادراکی انسان معاصر پاسخ داده می‌شود.

## پیشینه پژوهش

هرچند هر سرپناهی، برای انسان خانه نیست، ولی به جرئت می‌توان ادعا نمود که کالبد، ضرورتی است که امکان خانه شدن را فراهم می‌کند؛ چرا که معماری، ظرف زندگی و شکل‌دهنده حیات جاری در آن است و کالبد خانه نیز به همین میزان بر حیات جاری در آن اثرگذار است. لازمه شناخت مفاهیم معماری این خانه‌ها، شناخت همه‌جانبه از آنهاست و قدم اول، بازشناساندن ارزش‌های نهان این کالدهای کهن است. آنچه پژوهشگران از زوایای مختلف به خانه پرداخته‌اند، درون‌گرایی و محرمیت، زبان الگو، سلسله‌مراتب فضایی، گونه و گونه‌شناسی، رابطه فرهنگ و ساختار خانه و اقلیم است. کتاب‌هایی نیز در حوزه پدیدارشناسی خانه تالیف شده‌اند؛ مانند بوطیقای فضا از گاستون باشلار که به فهم پدیدارشناسی خانه پرداخته است؛ در کتاب پدیدارشناسی با تمرکز بر روش‌شناسی ون منن، علاوه بر معرفی و تعریف انواع پدیدارشناسی، به بسط و توضیح روش ون منن در تحقیقات کیفی پرداخته است. در جدول شماره ۱، خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین صورت‌گرفته در داخل و خارج از کشور ذکر گردیده است.

جدول ۱. یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های پیشین (نگارندگان)

پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	نتایج و یافته‌ها
Martyńska	۲۰۲۴ م	امید و معنا: پدیدارشناسی در اندیشه لژک کولاکوفسکی، یوزف تیشنر و واسلاو هاول	ردیابی داستان سه روشنفکر عمومی، لژک کولاکوفسکی، یوزف تیشنر و واسلاو هاول، نشان می‌دهد که چرا مکتبی که توسط ادموند هوسرل تاسیس شده بود توسط برخی مورد استقبال قرار گرفت و توسط برخی دیگر طرد شد و چگونه تفاسیر خاص آنها مدیون پدیدارشناسی بود.
Rezadoost Dezfuli et al	۲۰۲۴ م	بررسی هندسی تناسبات ورودی خانه‌ها از دوره قاجار تا اوایل پهلوی در شهر دزفول (۱۷۸۹-۱۹۷۹)	نتایج نشان داد که معماری خانه‌های سنتی از نظر ویژگی‌های فرمی با طبیعت همخوانی و سازگاری دارد. معماران ساختمان‌ها علاوه بر استفاده از تناسبات ایرانی، تناسبات طلایی را در چیدمان عناصر و فضاهای معماری از پلان تا نما، استفاده کرده‌اند. این نشان‌دهنده رابطه بین الگوهای فضایی و ترکیب داده‌های دریافتی از طبیعت است که در ساخت ساختمان‌ها ادغام شده‌اند.
Yazde et al	۲۰۲۲ م	یادگیری عمیق در معماری تاریخی سنجش‌ازدور: تشخیص خودکار خانه حیاط تاریخی در یزد، ایران	این تحقیق نشان داده است که یکی از اولین راهکارها در روش یادگیری عمیق در مطالعه معماری تاریخی ایران در تصاویر هوایی است. این رویکرد در دو جنبه قابل‌تعمیم است. اول، توانایی در شناسایی دوره‌های تاریخی خانه‌ها. دوم، پذیرش سبک‌ها و مکان‌های جغرافیایی ساختمان‌های مختلف.
Seamon	۲۰۲۰ م	دل بستگی مکان و پدیدارشناسی: پیچیدگی پویای مکان	حضور مشترک یک مکان بر درجه «زندگی» و ویژگی و محیط‌زیست محیطی آن تأثیر دارد
Jeremy et al	۲۰۱۲ م	حفاظت تاریخی، اهمیت و ارزش سنتی: پدیدارشناسی تطبیقی چارلستون تاریخی و جامعه جدید شهرنشینی I'On	این مطالعه از پدیدارشناسی، برای درک تجربه زیسته افراد در یک محیط مسکونی شهری «جدید» در مقابل «قدیمی» یا «تاریخی» استفاده می‌کند. نتایج نشان می‌دهد تفاوت اساسی در تجربه و ارزش‌گذاری افراد از محیط جدید و محیط قدیمی؛ توانایی محیط قدیمی‌تر برای القای خیالات خلاقانه در ذهن افراد بر اساس گذشته آنها است در صورتی که در محیط جدید چنین اتفاقی نمی‌افتد.
کومه حافظ و همکاران	۱۴۰۲ ه.ش	تبیین معیارهای مؤثر پدیدارشناسی هرمنوتیکی مکان در فرایند طراحی معماری	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پدیدارشناسی هرمنوتیکی قابلیت به‌کارگیری در فرایند طراحی معماری را دارد و می‌توان بر اساس چرخه پدیدارشناسی هرمنوتیکی مکان، مبتنی بر تفکر هایدگری، مدلی را برای طراحی معماری به روش پدیدارشناسانه، برای فهم اثر معماری، ارائه داد.

ازب و همکاران	۱۴۰۱ ه.ش	بررسی حس دل‌بستگی در نگرشی پدیدارشناسانه به مکان: تفسیری از تجربیات زیسته افراد	یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که دودسته از عوامل می‌توانند در حس دل‌بستگی ساکنان به خانه مؤثر باشند: (۱) دیالکتیک بیرون و (۲) دیالکتیک درون در دیدگاه پدیدارشناسی، حس تعلق به معنی رابطه هم پیوندی میان انسان و محیط است که همه شاخص‌ها را دربرمی‌گیرد.
نیک فطرت	۱۴۰۰ ه.ش	بررسی مولفه‌های پدیدارشناختی یوهانی پالاسما در بستر جغرافیای تاریخی مکان (نمونه موردی: میدان حسن‌آباد)	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اولویت ادراک حسی، هسته مرکزی تجربه افراد و فهم انسان از جهان است تا تجربه‌ای ژرف از فضا و زمان و معنای معمارانه را کسب کند تا گسترش معماری ابژه‌گرا به معماری حاصل از کیفیات تجربی حاصل از بدن و سیستم‌های حسی‌اش تبدیل شود.

در جدول شماره ۱. خلاصه‌ای از نتایج پژوهش‌هایی که به موضوع پژوهش حاضر نزدیک بودند بیان گردید و نکته حائز اهمیت این بود که در هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق مولفه‌های پارادیم پدیدارشناسی در مفاهیم معماری مسکن تاریخی مورد ارزیابی قرار نگرفته است و این جدید بودن پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

### چارچوب نظری پژوهش

روند کلی پژوهش در نمودار زیر تشریح شده است و مفاهیم باتوجه به ضرورت موضوعی و در بستر آن مورد مذاقه قرار گرفته‌اند.



### سابقه توجه به مفهوم خانه

به‌واقع سابقه توجه به خانه، با زیستن انسان یکی است؛ اما به‌واسطه عدم پاسخ‌گویی محیط خانه بر تمامی جنبه‌های زندگی در دوران بعد از مدرن، توجه به مفهوم سکونت نیز فزونی یافت. بررسی‌های پدیدارشناسی و روان‌شناسی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی سبب شد که جریانی بین رشته‌های مختلف در حوزه مطالعات خانه شکل گیرد (Rapoport, 1969 & Altman & Low, 2012). خانه مفهومی وابسته به زمان است. نه تنها کالبد آن در زمان دستخوش تغییر می‌شود؛ بلکه بعد معنایی آن

که در بده بستان معنا بین ساکن و کالبد شکل می‌گیرد، خود امری پویا و آمیخته با زمان است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۴). از سوی دیگر فضای خانگی، محصول روابط بین افراد، گروه‌ها و معماری خانه است (کریمی، ۱۴۰۰، ۲۹).

### ■ تغییر در مفهوم خانه در دوران معاصر

وقتی امروزه سخن از خانه ایرانی می‌شود، به کیفیتی اشاره دارد که به نوعی بی‌زمان و بی‌مکان است. لیکن این مفهوم در حال تغییر بوده و نمی‌توان آن را ناظر بر انواع کالبد مسکن‌های بدوی، سنتی، مدرن و پسامدرن دانست. مقایسه گذشته و حال، گاه به واسطه ویژگی‌های کالبدی مسکن و گاه به ارتباط صمیمی با آن اشاره دارد. ولی فرای این دو دسته کلی، یعنی کالبد و احساس و ادراک وابسته به آن، آن چه از آن روزگار یاد می‌شود، تطابق شیوه زیست انسان‌ها و کالبد بوده است. از سوی دیگر زندگی در هر دوره، کاملاً جدا از زندگی گذشته نبوده و نیست، پس معماری بسان ظرف زندگی نیز به طور معمول مستقل از معماری پیشین نبوده است. در جامعه سنتی هر پدیده‌ای نشانی از نگاه کلی جامعه به ارزش‌ها دارد و همیشه به نقطه‌ای والا معطوف است (فلامکی، ۱۳۸۵، ۲۴۰). در چنین جامعه‌ای هر عملی از انسان سر زند، بازتابی از شریعت و فراآگاهی اوست، اگر صانع باشد صنع او و اگر معمار باشد عمارت او تجلی رمز و راز درون و باور و پندار و اندیشه اوست (حجت، ۱۳۸۱، ۵۲).

### ■ فهم و بیان تجربه زیسته مطلوب در خانه

کالبد خانه با امکان‌های مکانی‌اش بسیاری از تجربه‌های متنوع را ممکن می‌کند. کالبد قرارگیری فضاهای پرو خالی، منظره‌های دیده شده و کارهای انجام شده در هر لحظه را سامان می‌دهد. وقتی همه اینها برای سکونت کنندگان در خانه، در جای خود باشند و در جریان زندگی نقشی مناسب داشته باشند حس نظم مطلوبی پدید می‌آید؛ نظمی که با تجربه‌های فردی و فرهنگی ساخته شده است و مدام ساخته می‌شود. نظمی که خواهان قرارگیری هدفمند اجزا و ایجاد کلیتی یک‌پارچه است. حس شدن یک خانه به عنوان یک کلیت واحد درون - بیرونی اجزای آن را سامان می‌دهد و هم‌زمان خود از این اجزا پدید می‌آید. نظمی که در تناسب کالبد بنا و رویداد زندگی فرد پدید می‌آید، لحظاتی از رویداد زندگی را زنده‌تر، غنی‌تر یا پرشورتر می‌کند و به این ترتیب بر معنای تجربه زیسته خانه برای او می‌افزاید. تناسبی مطلوب میان درون‌نگری یا هرآنچه از خود می‌فهمد و درک می‌کند، با برون‌نگری یا هرآنچه از جهان می‌فهمد و درک می‌کند، برقرار می‌شود. اگر با اصطلاح ون منن توضیح دهیم، تجربه مطلوب تجربه‌ای است که در آن چهار وجه وجودی زیست جهان وحدت و کلیتی مطلوب ایجاد کرده باشند. ون منن چهار وجه وجود زیست جهان را به این ترتیب می‌شمارد: بدن زیسته، زمان زیسته، فضای زیسته و روابط انسانی زیسته که به صورت کلیتی درهم تنیده‌اند و قابل انفکاک از هم نیستند (Van Manen, 1997).

تجربه زیسته در خانه یک‌پارچه و جدانشدنی از چهار حالت؛ وجود زمانمند، مکان‌مند، بدنمند و مخیل تجربه‌کننده آن است و مطلوبیت آن هم حاصل از تناسب موزون وجود آدمی و خانه در رویدادی از زندگی است. در رابطه بین انسان و خانه، کالبد در اوقاتی اثری ویژه می‌گذارد و با نقش خاص خود، ماجرای را چون کشف یک راز شخصی برای فرد ارزشمند می‌کند. ماجرای که به تمامی مختص یک‌زمان و مکان خاص است؛ اما فرد معنایی انسانی در آن می‌یابد و پیوندی میان وجود خود با جهان بیرون برقرار می‌سازد. از اینکه حقیقتی از زندگی در خانه دریافته مسرور می‌شود و بعدها در رویدادهای دیگر و خانه‌های تازه، خیالش به دنبال تجربه‌ای مانند آن می‌گردد تا باز خانه را پاسخی به حال درون خود بیابد. «خانه به منزله واسطه‌ای دوجانبه عمل می‌کند، - فضای شخصی - شخصیت هر فرد را به جهان خارج عرضه می‌کند، اما به همان اهمیت، تصویر خویشتن ساکنان و نظم جهان آنان را تقویت می‌کند» (هال و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۹۱).

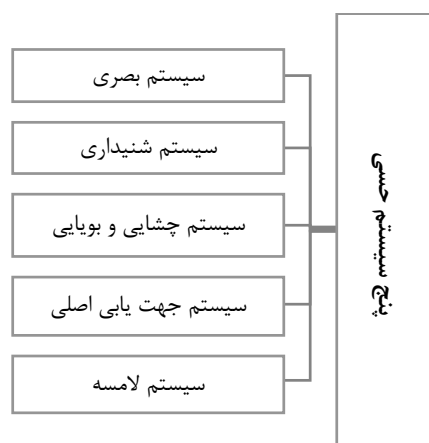
در میان روش‌های پدیدارشناسی مختلف؛ مانند روش‌های توصیفی که مبتنی بر فلسفه هوسرل، تفسیری که مبتنی بر فلسفه هایدگر و هرمنوتیک که ترکیب توصیف و تفسیر و بر اساس فلسفه پدیده‌شناسان آلمانی است، پدیدارشناسان پیرو روش ون منن معتقد به ترکیب پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری، تعریف و شناسایی مضمون هستند. در روش ون منن هنگامی که

مضامین شناسایی شدند، از طریق پیگیری مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، مورد تأمل و تفسیر قرار می‌گیرند و به این ترتیب مضامین اصلی کشف می‌شوند. در این روش مضامین استخراج شده و کلماتی که برای نوشتار پدیدارشناسی استفاده می‌شوند، باید به گونه‌ای باشند که خواننده را به سمت یک چشم‌انداز فوق‌العاده سوق دهد. شش مضمون اصلی در روش شناسی ون‌من معرفی خواهد شد. نویسندگان به نقل از ون‌من خاطر نشان می‌سازد که ترتیب ارائه مضمون‌ها و توضیحات ارائه شده مربوط به هر مضمون، به معنای بیان ترتیبی و تجویزی روش‌ها نیست؛ بلکه جهت تحریک خلاقیت و بینش خوانندگان است. این مضمون‌ها به این شرح است:

- روی آوردن به ماهیت پدیده موردعلاقه خود (که ما را درگیر دنیا کرده است)
- بررسی تجربه آن‌گونه که آن را زندگی کرده نه آن‌گونه که آن را مفهوم‌پردازی نموده؛
- فکر کردن بر روی مضامین اصلی مشخص‌کننده پدیده مورد مطالعه
- توصیف پدیده با استفاده از هنر نوشتن و بازنویسی
- حفظ ارتباط قوی و هدف‌دار با پدیده
- تنظیم بافتار تحقیق با در نظر گرفتن اجزاء و کل.

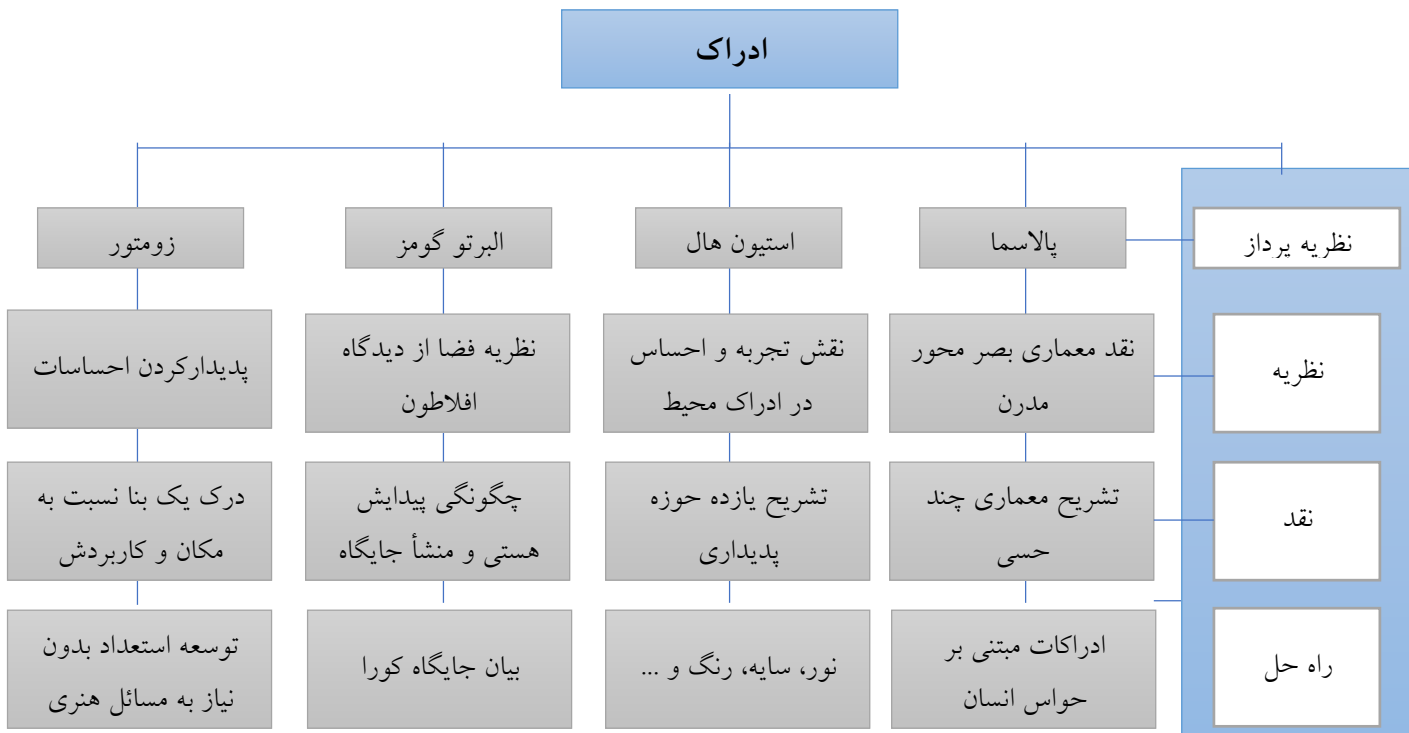
### ■ تجربه پدیدارشناسانه

مهم‌ترین و برجسته‌ترین وجه پدیدارشناسی پالاسما ایده (معماری چند حسی) است. توجه وی به تفوق بینایی بر دیگر حواس در فلسفه و معماری غرب به‌واقع پرداختن به یکی از مسئله‌دارترین وجوه تاریخ دریافت و ادراک فضا است (شیرازی، ۱۳۸۹، ۱۱۱). حس و دانش ما از اشیا و امور یک چیز نیستند. اندام‌های حسی چونان واسطه و «میانجی» برای دانش و ادراک عمل می‌کنند و این دانش پیش‌تر در روان چونان یادآوری وجود دارد. بدین لحاظ می‌توان گفت که ادراک عنصری بس مهم‌تر از تأثرات حسی در خود دارد و درعین حال باید پذیرفت که حواس علت ادراک به شمار می‌آیند. همین بخش «مهم‌تر» است که به دانش واقعی ساختار می‌بخشد و تأییدکننده حواس نیز هست (نور برگ - شولتز، ۱۳۸۷، ۷۰).



نمودار ۲. ادراکات حسی (نگارندگان به نقل از پالاسما، ۱۳۹۳، ۵۵-۵۳)

بر اساس کتاب پدیدارشناسی ادراک، از دیدگاه مرلوپونتی، صورت ادراک حسی، صرفاً و به طور واضح، تجربه حسی‌ای است که با استفاده از حواس پنج‌گانه از اشیا جهان به دست می‌آید. تبیین دیگری که مرلوپونتی از ادراک حسی ارائه می‌دهد، پیچیده‌تر از کارکرد ساده حواس است و مبحث معانی موجود در جهان را نیز در بر می‌گیرد (Marshall, 2017, 981).



نمودار ۳. ادراک از منظر نظریه پردازان (هال و همکاران، ۱۳۹۴، ۹)

### ■ رویکرد پدیدارشناختی به ادراک محیط

تحلیل پدیدارشناختی از عناصر موجود در فضا، از مرحله دریافت محیط عبور کرده و داده‌های محیطی را که به حواس پنج‌گانه درآمده است، با صور خیالی و ذهنی از امر مقدس و معانی متافیزیکی درهم می‌آمیزد و ادراکی تام را موجب می‌شود که سوژکتیویته امر مدرک را بر ابژکتیویته آن غالب می‌سازد. از این رو، گام نخست در فهم معانی پدیداری عناصر، ادراک نشانه‌هایی است که در ساختار فضا، دلالت‌های معنایی را به عهده دارند. این فرایند مبتنی بر ارائه مفروضاتی است که پدیده مورد نظر بر اساس آن تفسیر می‌شود (املی رضوی فر و غفاری، ۱۳۹۰، ۲۹) مرحله فهم فضا در نشانه‌شناسی پیرس استغراق در کیفیات فضا است و قیاس آغاز می‌شود. سپس بر اساس نوعی استدلال احساسات خود را در آیین فضا مطرح می‌کند و در مرحله آخر طی فرایند استقرا در مورد فهم فضا، قضاوت می‌کند. به زعم پیرس نقش فضا، معقول ساختن وجه کیفی احساسات است.



نمودار ۴. مدل عملیاتی پژوهش (نگارندگان)

## روش تحقیق

این پژوهش به شیوه پدیدارشناسی بر پایه روش ترکیبی (کیفی و کمی) استوار است و روش گردآوری اطلاعات، همسوسازی (مثلت‌سازی) است که یکی از چهار نوع طرح‌های اصلی و شناخته‌شده‌ترین و متداول‌ترین رویکرد در روش ترکیبی است. در این مقاله از سه روش مصاحبه گروهی و مشاهده مشارکتی، روش ون‌منن و روش مطالعه تطبیقی است. گام‌های طی شده در این روش عبارت‌اند از:

الف) برای رسیدن به شبکه علی احتمالی، مصاحبه هدفمند با متخصصان صورت گرفت.

ب) در استفاده از روش ون‌منن در قالب مصاحبه که در محل انجام می‌گیرد، از شرکت‌کنندگان دو پرسش اصلی انجام می‌شود: یکی مبتنی بر اینکه در همان لحظه بودن در مکان، دریافت از محیط را چگونه تبیین می‌کنند؟ و دیگری مبتنی بر چگونگی این تجربه و تعامل فرد با اجزای محیط پرسیده شد.

ج) محقق که خود عضوی از جامعه معماری است و از نزدیک با خانه‌های تاریخی در ارتباط بوده، سعی کرده است از ابتدای پژوهش به مشاهده جامع از نوع مشارکتی بپردازد و با مقایسه مشاهدات خود با نتایج مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و گروهی، واقعیت را همان‌طور که هست، بررسی کند. در مشاهده مشارکتی محقق نقش پژوهشگر عضو فعال را دارد.

د) در این پژوهش ضمن کاربرد روش مثلث‌سازی، داده‌های خام از طریق تحلیل‌های آماری مورد مطالعه قرار گرفته است.

## یافته‌های تحقیق

### یافته‌های اولیه

در وهله اول به مشخصات مصاحبه‌شوندگان پرداخته می‌شود که در جدول ۲ به طور فهرست‌وار آمده است. همان‌طور که در بالا ذکر گردید، مصاحبه هدفمند با متخصصان صورت گرفت. علت از انجام مصاحبه هدفمند این بود که از افرادی مصاحبه شود که بیشترین اطلاعات را در زمینه پژوهش مورد نظر داشته و پاسخ‌های به‌دست‌آمده دارای ارزش و اعتبار باشد.



جدول ۲. داده‌های توصیفی (برگرفته از خروجی نرم افزار spss26)

وضعیت اشتغال		وضعیت تأهل		تحصیلات				جنسیت		مصاحبه‌ها		
غیرشاغل	شاغل	متأهل	مجرد	دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	کاردانی	دیپلم	مرد	زن	میانگین (دقیقه) زمان مصاحبه‌ها	تعداد مصاحبه‌ها
۳	۱۲	۱۱	۴	۵	۲۲	۴۷	۳۵	۲۰	۵۸	۷۱	۶۰	۱۲۹

براین اساس افرادی مورد مصاحبه قرار گرفتند که تجربه زیسته در خانه‌های تاریخی را به دلیل شرایط شغلی خود داشتند. علاوه بر آن از افراد حاضر در مجموعه شامل کارکنان، گردشگران نیز مصاحبه‌ای به عمل آمد تا بتوان تجربه حضور در مجموعه، ادراکات حسی مخاطبان و مؤلفه‌های مورد نظر پژوهشگران را از زبان افراد عامه نیز مورد تحلیل قرارداد.

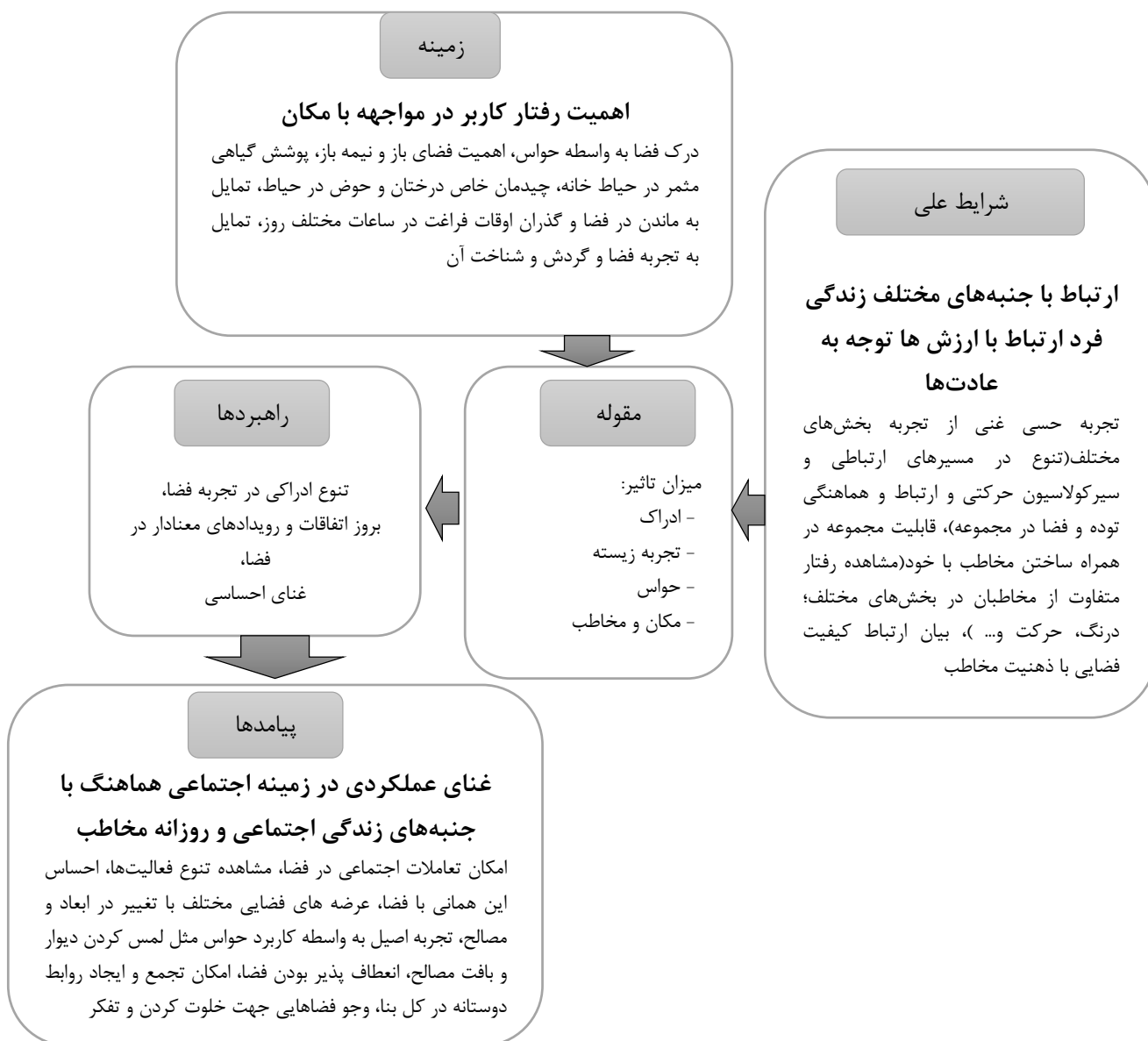
### ■ یافته‌های تحقیق (روش مصاحبه گروهی و مشاهده مشارکتی)

نخست از یکسان‌سازی افق‌های تجربیات هر شرکت‌کننده واحدهای معنایی ظاهر گردید و در مجموعه‌های متناسب با سؤالات پژوهش، با اصطلاحات ویژه‌ای، کدگذاری انجام شد. نتیجه این مرحله، یک توصیف متنی غنی از تجربیات افراد در حوزه مورد مطالعه بود که نتایج کدگذاری در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج ترکیبی کدگذاری باز، محوری و گزینشی (نگارندگان)

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز برجسته
تنوع ادراکی در تجربه فضا	تجربه اصیل به واسطه به‌کارگیری حواس	درک فضا به‌واسطه حواس، قابلیت مجموعه در شناساندن خود به شهروندان و گردشگران تمایل به ماندن در فضا و گذران اوقات فراغت در ساعات مختلف روز، تعامل مجموعه با زمینه‌های فرهنگی، تمایل به تجربه فضا و گردش و شناخت آن عین‌شدن و هماهنگی با زمینه قرارگیری خود
	اهمیت رفتار کاربر در مواجهه با مکان (درک میزان تأثیر مکان در رفتار مخاطب)	مشاهده فعالیت‌های گوناگون به جهت قابلیت‌های عملکردی مجموعه، تجمع افراد و گروه‌ها، سرزندگی، ایجاد سلسله‌مراتب فضایی به‌منظور حفظ حریمیت، پرهیز از یکپارچه کردن فضاها یا از میان بردن مرزها
معنادار در فضا (فضای اجتماعی)	اهمیت بر عقاید، جنبه تاریخی، معناداری به‌واسطه نشانه‌ها	تجربه حسی غنی از تجربه بخش‌های مختلف، قابلیت مجموعه در همراه ساختن مخاطب با خود، هزارتویی قابل کشف
	ارتباط با جنبه‌های مختلف زندگی فرد (ارزش‌ها، عادت‌ها)	بیان ارتباط کیفیت فضایی با ذهنیت مخاطب، اصالت خاطره و خیال، عملکرد کالبدی مناسب (از قبیل نشستن، مکث کردن، دیدن و لمس کردن)،
غناهی احساسی	اهمیت تجربه زیسته در ادراک مکان	تجربه اصیل به‌واسطه کاربرد حواس مثل لمس کردن دیوار و بافت مصالح، تمایل به تجربه فضا، وجود فضاهایی جهت خلوت کردن و تفکر، آرامش، دارای مفهوم و نماد تجربه ذهنیت تعلق و وابستگی، خاطره‌انگیزی، رویداد ادراک‌پذیر
	غناهی عملکردی در زمینه اجتماعی هماهنگ با جنبه‌های زندگی اجتماعی و روزانه مخاطب	امکان تعاملات اجتماعی در فضا، وجود فضای سبز، درختان، حوض آب، نشستن بر روی پله‌های بنا، تأثیر فصل بر استفاده از اتاق‌ها، زندگی جمعی، آداب ورود به فضاها با تفکیک در و پنجره مثل پنج‌دری، سه‌دری، مکان تجمع و ایجاد روابط دوستانه در کل بنا،

در جدول ۳. نتایج ابتدا به صورت کدگذاری باز برجسته گردید، سپس کدگذاری محوری بر اساس کدگذاری باز برجسته مشخص شد و در نهایت کدهای گزینشی جهت تکمیل نتایج ارائه شد. در نهایت الگوی یافته‌های تحقیق (روش مصاحبه گروهی و مشاهده مشارکتی) در نمودار ۴ ذکر گردید.



نمودار ۴، الگوی برخاسته از ادراک مخاطب از فضا در مواجهه با مسکن تاریخی (نگارندگان)

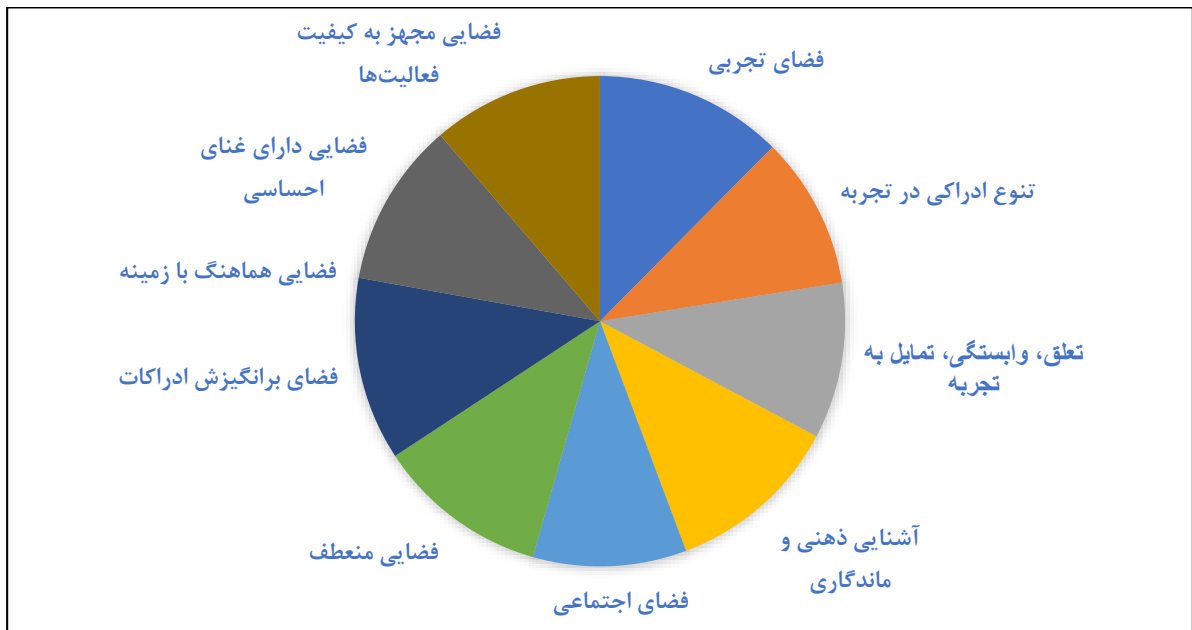
طبق تحلیل کدگذاری باز، محوری و گزینشی به کاررفته و رویکرد پدیدارشناسی به روش مصاحبه گروهی و مشاهده مشارکتی تحقیق حاضر در تطبیق با مشاهدات و رفتارهای مخاطبان خانه‌های تاریخی، در نقش کنونی خود به عنوان فضای بااهمیت، به جهت ویژگی‌های خاصی چون «فضای تجربی، تنوع ادراکی، تعلق، وابستگی و تمایل به تجربه، آشنایی ذهنی و ماندگاری، فضای رویدادها، فضای اجتماعی، عمومی و واکنش برانگیز، در هماهنگی با زمینه و دارای غنای احساسی و کیفیت فعالیت‌ها»، مسیر پژوهش حاضر بر این مبناست که طبق سوالات پژوهش هماهنگی و قرابت با زمینه‌های اجتماعی خانه‌های تاریخی و به تبع آن

دلالت‌های فرهنگی، برداشت‌های ذهنی و ادراکی مخاطبان از فضا را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی در ادراک خاص مجموعه تاریخی در نحوه عملکرد آن در فضای مانند پذیرش حضور شهروندان و آمیختگی با رویدادها و زندگی روزانه آنان، از معنای کالبدی خود فراتر رفته و در برخورد با ادراکات ذهنی رفتاری، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی به معنایی درخور تأمل و توجه در مسیر دستیابی به ادراک حسی غنی دست‌یافته است.

جدول ۴، ضریب همبستگی پیرسون میان مقوله‌های استخراج شده از کدگذاری (برگرفته از خروجی نرم افزار spss26)

مقوله‌ها	فضای تجربی	تنوع ادراکی در تجربه	تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه	آشنایی ذهنی و ماندگاری	فضای اجتماعی	فضای منعطف	فضای برانگیزش ادراکات	فضای هماهنگ با زمینه	فضایی دارای غنای احساسی	فضایی مجهز به کیفیت فعالیت‌ها
فضای تجربی	1	.708**	.929**	.926**	.905**	.911**	.873**	.882**	.975**	.900**
تنوع ادراکی در تجربه	.808**	1	.823**	.890**	.736**	.812**	.774**	.897**	.862**	.654**
تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه	.829**	.723**	1	.928**	.732**	.832**	.877**	.669**	.992**	.914**
آشنایی ذهنی و ماندگاری	.926**	.889**	.928**	1	.978**	.900**	.713**	.871**	.905**	.737**
فضای اجتماعی	.815**	.674**	.782**	.852**	1	.933**	.835**	.864**	.844**	.897**
فضایی منعطف	.911**	.702**	.902**	.912**	.933**	1	.844**	.849**	.864**	.893**
فضای برانگیزش ادراکات	.973**	.674**	.877**	.843**	.835**	.844**	1	.883**	.923**	.845**
فضایی هماهنگ با زمینه	.882**	.597**	.989**	.885**	.779**	.849**	.893**	1	.885**	.843**
فضایی دارای غنای احساسی	.875**	.632**	.892**	.981**	.794**	.664**	.973**	.785**	1	.886**
فضایی مجهز به کیفیت فعالیت‌ها	.908**	.854**	.814**	.987**	.847**	.793**	.685**	.723**	.850**	1

\*\* ضرایب معنی دار در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱.



نمودار ۵، ضریب همبستگی پیرسون میان مقوله‌های استخراج شده از کدگذاری (نگارندگان)

از جدول ۴ و نمودار ۵ برمی‌آید که حس تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه و فضای تجربی، فضایی دارای غنای احساسی، آشنایی ذهنی و ماندگاری و فضای برانگیزش ادراکات که همبستگی بیش از ۰٫۹ را نشان می‌دهند، بیش از سایر مولفه‌ها مرتبط به یکدیگر هستند. بنابراین، برآیند کلی مولفه‌ها زمانی تجربه ادراکی مطلوبی برای افراد فراهم آورده است که بر تجربه فضا، غنای حسی فضا و ایجاد احساسات، بیفزاید. با توجه به همبستگی آنها با ویژگی‌های خانه‌های تاریخی از منظر ادراکات حسی، تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه بودن فضا تأثیر معناداری با آشنایی ذهنی و ماندگاری، فضای اجتماعی دارد. و در نهایت الگوی یافته‌های تحقیق (روش مصاحبه گروهی و مشاهده مشارکتی) در نمودار ۴ ذکر گردید.

#### ■ یافته‌های تحقیق (به روش ونمن)

باتوجه به رویکرد کل نگر ون منن، در نوشتن و توضیح درون‌مایه سعی گردید تا اشتراکات میان تجربه افراد به صورتی بیان گردد که از احساس متفاوت بودن محیط، تا تمایل به دوست‌داشتن خانه، مراحل را بیان کند که آرام‌آرام تدریجی، بودن یا حضور، تجربه زندگی کردن در آن فضا را توصیف می‌کند جدول ۴. رسیدن به درون‌مایه‌ها و معانی عمیقی از بیانات افراد حاضر در خانه‌های تاریخی، آن‌گونه که ون منن به‌ضرورت تحلیل گروهی محتوای مصاحبه تأکید دارد، با مشورت افراد متخصص و استادان مشاور در این زمینه صورت پذیرفت.

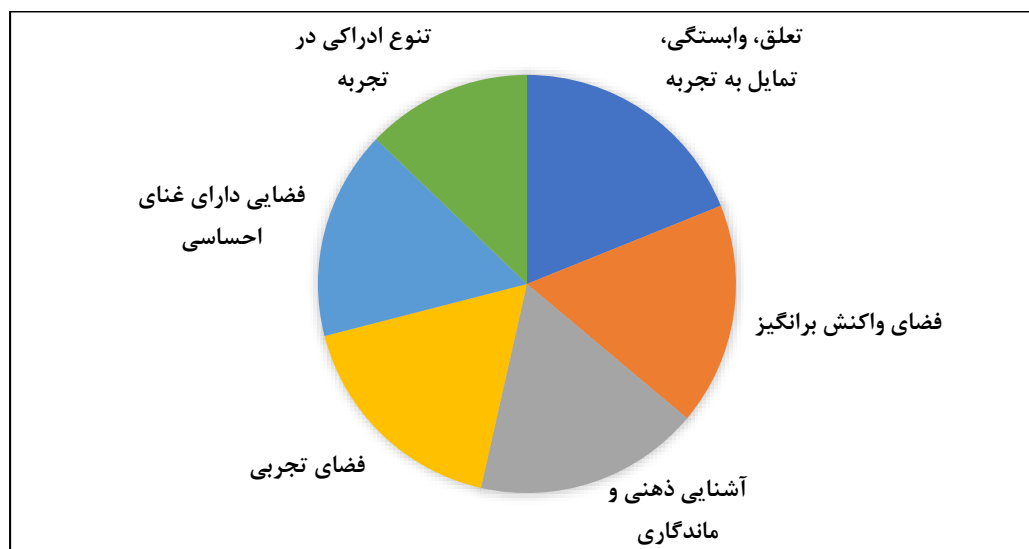
جدول 5، نمونه‌هایی از بیانات شاخص افراد در خانه ایرانی، معانی مدون شده آنها و مضمون اصلی (نگارندگان)

بیانات شاخص	معانی مدون شده	مقوله اصلی
این خانه بسیار آرام است، مکان‌های دیگر به من این حس و نمیده وقتی از بیرون به هشتی می‌رسم، زندگی به رنگ دیگه می‌گیره، روحم ساکت می‌شه قلبم تو حیاط آرام می‌گیره، سایه‌روشن‌هایی که از پنجره بیرون می‌زد، آرامش خاصی داره	احساس راحت بودن با محیط، عجین شدن با اجزای آن و یکی شدن با محیط	تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه فضای واکنش برانگیز
می‌دونی، به نظرم بهترین جا برای خلوت کردن، آدم می‌تونه خوب تمرکز کنه	محیطی برای رهاشدن فکر و ذهن، تمایل به فکرکردن	آشنایی ذهنی و ماندگاری
اتاق‌های بزرگ و شاه‌نشین طوری که فکر می‌کنی همه‌جا همینه به نظرم میاد باید حرکت کنم تو این اتاق‌ها	احساس سیالیت و پویایی در فضای خانه	فضای تجربی
اینجا همه چیز طبیعی، رفتی جای دیگه خانه، یادت میره از کجا آمدی	تفکیک فضا	فضایی دارای غنا یا احساسی
بوی خاک، بوی زندگی تو خونه را خیلی حس میشه کرد	تجربه‌ای از جریان هوا، مصنوعی نبودن و خاکی بودن	تنوع ادراکی در تجربه

با تاکید بر مضامین روش و منن و مصاحبه‌نامه‌های افراد در خانه‌های مذکور مقوله‌هایی استخراج شد که شامل تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه، فضای واکنش برانگیز، آشنایی ذهنی و ماندگاری، فضای تجربی، فضای دارای غنا یا احساسی و تنوع ادراکی در تجربه شد.

جدول 6، ضریب همبستگی پیرسون از مضمون مصاحبه‌های به عمل آمده در روش و منن (برگرفته از خروجی نرم افزار spss26)

مضمون مصاحبه‌ها	تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه	فضای واکنش برانگیز	آشنایی ذهنی و ماندگاری	فضای تجربی	فضایی دارای غنا یا احساسی	تنوع ادراکی در تجربه
تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه	1	.951**	.832**	.926**	.905**	.911**
فضای واکنش برانگیز	.911**	1	.654**	.868**	.852**	.875**
آشنایی ذهنی و ماندگاری	.922**	.683**	1	.898**	.723**	.901**
فضای تجربی	.924**	.900**	.888**	1	.889**	.914**
فضایی دارای غنا یا احساسی	.856**	.743**	.862**	.815**	1	.638**
تنوع ادراکی در تجربه	.769**	.912**	.934**	.823**	.727**	1



نمودار ۶، ضریب همبستگی پیرسون از مضمون مصاحبه های به عمل آمده در روش ون منن (نگارندگان)

مطابق جدول ۶ و نمودار ۷، آنچه مردم در وهله نخست درک کردند، تفاوت در ظاهر نسبت به محیط زندگی امروز بود؛ از خنکی محیط و رایحه متفاوت تا اتاق های متنوع و دیوارهای گچ کاری شده. دل کندن از دغدغه های زندگی و منحصر به فرد بودن در مصاحبه ها، مقوله (فضایی دارای غنای احساسی) با همبستگی بیش از ۰٫۹ را شکل داد. تنش زدایی و کنار رفتن استرس از دیگر مسائلی بود که شرکت کنندگان به آن اشاره کردند؛ تاکید بر سکوت نیز مقدمه ای شد برای پدیده (فضای واکنش برانگیز) که یا بیشترین ضریب همبستگی بیشترین ارتباط را با تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه دارد. اکثر شرکت کنندگان به گونه ای با حرکت در اتاق های بزرگ؛ با جنبه های دیداری محیط (فضای تجربی) با تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه، ضریب همبستگی بیش از ۰٫۹۲۴ خود را از خانه نشان می دادند. ارتباط نزدیک با محیط و طبیعت حاکی از درک تعاملی و پیوند نزدیک با خانه است که در نمایه ی (تنوع ادراکی در تجربه) و آشنایی ذهنی و ماندگاری با ضریب همبستگی ۰٫۹۳۴ را به وجود می آورد. ترجیح این خانه ها به مکان های دیگر، در بردارنده ی پیام هایی از عناصر طبیعی، در دل زمین بودن، ساده بودن و غیره است. نتیجه ای که می توان از یافته های این تحقیق گرفت، میزان کارایی خانه در رفع نیازهای روحی و عاطفی مردم در خانه است. با توجه به دور شدن زندگی امروز از چنین مکان هایی، ضرورت توجه بیشتر و نیاز انسانی به اینگونه فضاها را بیشتر می کند. نتایج به دست آمده از مصاحبه نامه ها باعث کشف معنای این مکان های معمارانه در بستری از عوامل مثبت روانی و در تعادل نزدیک با افراد شد.

### ■ یافته های تحقیق (به روش مطالعه تطبیقی)

مجموعه تاریخی خانه دهدشتی اصفهان به جهت تعامل میان ظاهر (ویژگی های کالبدی) و باطن خود (مؤلفه های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی) گام در جهت تقویت ایجاد تصاویر ذهنی غنی در ذهن مخاطب داشته است. از دلایل انتخاب خانه دهدشتی در میان خانه های تاریخی اصفهان می توان به مواردی همچون: معماری حیرت انگیز، قدمت تاریخی، ظرافت های معماری، حفظ ساختار بنا تا دوره پهلوی به عنوان خانه، امکان صحبت با نوادگان صاحب اصلی خانه و بیان تجربه زیسته آنها، قراردادن در بافت تاریخی درجه ۱ اصفهان می باشد. طبق جدول ۵. که براساس کدهای به دست آمده در روش مثلث سازی در راستای انطباق با ویژگی های نمونه مورد مطالعه صورت گرفت، می توان چنین عنوان کرد که خوانش هویت خاص مجموعه تاریخی خانه

دهدشتی در نگرش پدیدارشناسانه به آن، در گرو توجه و اهمیت به آن دسته از خصوصیات کالبدی، عملکردی و معنایی مجموعه است که توسط ذهنیت و تجربه مخاطبان با ادراک آنان و مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی پیوند یافته است. مولفه‌هایی که هویت خاص مجموعه را در معرفی آن به عنوان "فضای تجربی، ادراکی، اجتماعی و عمومی، غنی و مرتبط با واکنش و احساس مخاطبان، دارای احساسی از تعلق و وابستگی شهروندان و آشنا و ماندگار در ذهن آنان و نیز در هماهنگی با زمینه و مجهز به رویدادها و فعالیت‌های معنادار" معرفی می‌کنند.

جدول ۷، بررسی مؤلفه‌های رویکرد پژوهش در مجموعه دهدشتی اصفهان (نگارندگان)

مصادیق	مصادیق در نمونه موردی	مؤلفه
 <p>URL1</p>	علاقه مخاطبان فضا به گردش در مجموعه و کشف بخش‌های مختلف آن به جهت تنوع در سیرکلاسون حرکتی و مسیرها تکرار فضاهای بسته و باز	فضای تجربی
 <p>URL1</p>	تجربه فضایی غنی به واسطه به‌کارگیری حواس پنج‌گانه بصری: دیدن مجموعه، لامسه: لمس آجرها و کالبد مجموعه بویایی: بوی غذا، گل، چشایی: فواره آب و حوض آب، شنوایی: صدای آب، صدای گردشگران، ارتباط با طبیعت، تنوع کاربری‌های قدیمی	تنوع ادراکی در تجربه
 <p>URL2</p>	مشاهده احساس تعلق شهروندان و مخاطبان به فضا به واسطه: حضور مطمئن آنان به‌مثابه تجربه فضایی آشنا تمایل به ماندن در فضا و سپری کردن مدت‌زمان طولانی از اوقات فراغت خود در ساعات مختلف روز در مجموعه راحتی در رفتار تجربه‌کنندگان جهت شناخت بخش‌های مختلف مجموعه	تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه
 <p>URL3</p>	مطرح‌شدن مجموعه به‌عنوان نشانه شهری در ذهن مخاطبان و ماندگاری آن احیای تصویر ذهنی پیشین فضا در ذهن مخاطبان آن تبدیل‌شدن به عنصر آشنا در فضای شهری برای بازدید و حضور گردشگران	آشنایی ذهنی و ماندگاری
 <p>URL2</p>	تعاملات اجتماعی تجمع افراد و گروه‌ها برخوردها و ملاقات دوستانه	فضای تجمعی و اشتراکی
 <p>URL2</p>	قابلیت مجموعه در همراه ساختن و جهت‌دهی رفتار مخاطبان بر اساس مفاهیم کالبدی ویژه خود مشاهده حرکت مستمر در فضای مجموعه، توقف در حیاط مرکزی	فضای واکنش برانگیز

 <p>URL3</p>	<p>عملکردی ورای فضای تاریخی صرف به جهت هماهنگی مجموعه با زمینه اطراف خود (بافت تاریخی و مجموعه بازار)</p>	<p>فضایی هماهنگ با زمینه</p>
 <p>URL3</p>	<p>آرامش فضایی و دوری از هرج و مرج به واسطه ارتباط فضایی منطقی میان فضای باز و بسته</p>	<p>فضایی دارای غنای احساسی</p>
 <p>URL3</p>	<p>مشاهده فعالیت‌های اختیاری گوناگون به جهت قابلیت‌های عملکردی مجموعه (استراحت، بازدید، گردش و...)</p>	<p>فضایی مجهز به کیفیت فعالیت‌ها</p>

نتایج حاصل از مطالعه انجام شده در نگرش پدیدارشناسانه به مجموعه خانه دهدشتی در راستای بررسی ابعاد معنایی و ادراک حسی خاص مجموعه نشان از تعامل و ارتباط غنی ویژگی‌های مکان مورد بررسی با برداشت‌های ذهنی مخاطبان و پیوند تنگاتنگ با مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد که مجموعه حاضر را ضمن اهمیت تاریخی آن که به واسطه ویژگی‌های غنی معماری ایجاد شده است، به‌عنوان مکانی با ادراک حسی در فضای شهری تبدیل می‌کند. در بررسی‌ها و مشاهدات کنونی انجام شده در محل نمونه مورد بررسی، ادراک حسی خاص این مجموعه تاریخی به سبب ارتباط با ذهنیت مخاطبان، تاثیرگذار بر رفتار آنان در تجربه فضایی، تمایل آنان به شناخت و ادراک حسی غنی از فضا و درک هماهنگی مجموعه با زمینه قرارگیری خود و کیفیت فعالیت‌ها، در احساس تعلق و خلق تصاویر ذهنی از فضا نزد شهروندان و اجتماعی بودن این مجموعه تاریخی، نمونه مورد بررسی را به فضایی پویا و منحصر به فرد نسبت به سایر فضاهای تاریخی شهر که در راستای باززنده‌سازی جهت استفاده شهروندان به‌عنوان فضای شهری مطرح شده، تبدیل می‌کند.











### ■ پاسخ به سوال پژوهش

مفاهیم شکل‌دهنده ادراک در خانه تاریخی کدام‌اند و کدام‌یک از مفاهیم در خانه‌های معاصر نیاز به بازاندیشی داشته و کدام باید حفظ شود؟ در پاسخ به سؤال مطرح شده مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از جمله فضای تجربی، تنوع ادراکی، فضای هماهنگ با زمینه، آشنایی ذهنی و ماندگاری، فضای منعطف، فضای دارای غنای احساسی، فضای مجهز به کیفیت فعالیت‌ها از جمله مفاهیم شکل‌دهنده ادراک در خانه‌های تاریخی هستند که طبق جدول ۸ با مصداق تصویری و توضیحات تکمیلی، بازاندیشی و حفظ این مفاهیم را در خانه‌های معاصر ارزیابی می‌شود.



جدول ۸. یافته های به دست آمده از پاسخ به سوال پژوهش (نگارندگان)

مؤلفه‌ها	خانه تاریخی	خانه معاصر	توضیحات
	مصادیق تصویری		
فضای تجربی	 URL3	 URL3	<p>فضای تجربی با حرکت و ایجاد فضای باز و بسته ایجاد خواهد شد که در خانه معاصر باتوجه به محدودیت فضایی نیاز به بازاندیشی دارد.</p>
تنوع ادراکی در تجربه	 URL3	 URL3	<p>وجود تابستان نشین، زمستان نشین، اندرونی و بیرونی، تنوع ادراکی در خانه تاریخی را به همراه دارد بر خلاف خانه های معاصر به دلیل کمبود فضا همگی در یک واحد آپارتمانی گنجانده می شود و تا کنون اندیشه ای بر حل آن نشده است</p>
تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه	 URL3	 URL3	<p>در خانه های معاصر صلبیت، یکنواختی باید حذف گردد تا تمایل به بودن در فضا توسط مخاطب ایجاد شود.</p>
آشنایی ذهنی و ماندگاری	 URL3	 URL3	<p>در خانه تاریخی به علت درگیرکردن تمامی حواس ماندگاری وجود دارد؛ اما در خانه معاصر هیچ گونه آشنایی ذهنی قبلی و تحمیل شدن فضاها وجود نداشته و بازاندیشی در این زمینه را مهم جلوه گر می کند.</p>
فضای اجتماعی	 URL3	 URL3	<p>تعریف فضای اجتماعی در خانه تاریخی و معاصر متفاوت است، خانه تاریخی فضای اجتماعی همگانی را پوشش می دهد در صورتی که خانه معاصر در حد خانواده است</p>

<p>وجود اتاق‌های ۳ دری، ۵ دری و فضاهایی با در و پنجره زیاد خانه تاریخی را فضایی انعطاف پذیر تبدیل کرده است در صورتی که در خانه های معاصر دیوار جدا کننده فضاها بوده و باید بازاندیشی گردد و حتی در بعضی از فضا حذف و جایگزین داشته باشد.</p>	 <p>URL3</p>	 <p>URL3</p>	<p>فضایی منعطف</p>
<p>خانه تاریخی با وجود آب، فضای سبز، رنگ، دید بصری مناسب ادراکات انسان را برانگیخته می کند و متأسفانه در خانه معاصر، بی رنگ بودن، یکنواختی، عدم تناسب نیاز به بازاندیشی را تشدید می کند.</p>	 <p>URL3</p>	 <p>URL3</p>	<p>فضای برانگیزش ادراکات</p>
<p>عدم هماهنگی با زمینه در خانه‌های معاصر منجر به از بین رفتن حریمیت، امنیت شده است که نیاز به بازاندیشی دارد</p>	 <p>URL3</p>	 <p>URL3</p>	<p>فضایی هماهنگ با زمینه</p>
<p>باتوجه به آنچه در تصاویر قابل رویت است، استفاده از جزئیات داخلی نمادین در خانه‌های معاصر باید بازاندیشی شود تا احساسات مخاطب را درگیر تا بی روحی و یکنواختی را القا نکند.</p>	 <p>URL3</p>	 <p>URL3</p>	<p>فضایی دارای غنا احساسی</p>
<p>وجود سلسله مراتب فضایی منجر به کیفیت فعالیت‌ها در خانه‌های تاریخی است (فضای باز، نیمه باز و بسته)، در خانه‌های معاصر باید بازاندیشی گردد و فضا به فضای بسته محدود نگردد تا بتوان فعالیت‌های متنوع را پوشش دهد.</p>	 <p>URL3</p>	 <p>URL3</p>	<p>فضایی مجهز به کیفیت فعالیت‌ها</p>

مطابق با آنچه در جدول ۸ مطرح گردید، محدودیت زمین منجر به کم و کاستی هایی در معماری خانه های معاصر شده است که بی هویتی، عدم برانگیخته شدن احساسات، عدم تجربه آن توسط مخاطبان، عدم انعطاف پذیری، عدم هماهنگی با زمینه از جمله مواردی است که می توان به آنها اشاره کرد. بر این اساس لازم است تا در طرح ها و پروژه های آتی معماران نسبت به طراحی مفاهیم معماری بازاندیشی نموده و کاربران و استفاده کنندگان از فضا در در اولویت قرار دهند، بلکه بتوانند ادراکات مخاطب خود را برانگیخته و حس ماندگاری در فضا را در او ایجاد نمایند.

## نتیجه گیری

تجربه معماری از اعمال، کنشها و فعالیت های ما شکل گرفته و به آن ها امکان رشد می دهد. با توجه به ویژگی های پدیدارشناختی، آگاهی از مواجهه فرد و تجارب شخصی او از خانه های تاریخی و میزان غنای حسی دریافت شده از آن از مهم ترین موارد بررسی خصوصیات کالبدی بناست که از طریق یکی شدن با فضا و ادغام ادراکات حسی ایجاد می شود که قابلیت آن بنا در تجربه کردن بدنمند و همسو ساختن رفتار مخاطبان بر اساس ویژگی های کالبدی خود است. مخاطب در خانه های تاریخی با توجه به نوع پلان بندی و سیرکولاسیون فضایی همواره در سیالیتی محسوس در فضا قرار دارد، اکثر تغییر مکان های اصلی در این فضاها با شکست محور افقی و حرکت در محورهای مایل و نمودی همراه است که موجب تبدیل ادراکات حسی مخاطب از فضا به ادراکی چند حسی می شود؛ به عبارتی با حضور و حرکت در خانه های تاریخی تمامی حواس پنج گانه (شنوایی، بویایی، چشایی، بینایی و لامسه)، در فرایند ادراک درگیر هستند و اگر در بخشی از این فضا برخی از حواس منفعل هستند در گرو بحث ذکر شده و انتقال به فضای جدید، همان حواس منفعل، دوباره فعال می شوند. در نتیجه ادراک، ترکیبی از تمامی زوایا و همچنین تمامی حواس است.

جدول ۹، مولفه های پارادیم پدیدارشناسی در مفاهیم معماری خانه تاریخی دهدشتی اصفهان (نگارندگان)

مؤلفه ها	مصادق در نمونه موردی	مؤلفه های پارادیم پدیدارشناسی در مفاهیم معماری خانه تاریخی دهدشتی اصفهان
فضای تجربی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تمایل مخاطبان فضا به گردش در مجموعه و کشف بخش های مختلف آن به جهت تنوع در سیرکولاسیون حرکتی و مسیرها</li> <li>- تکرار فضاهای بسته و باز (سراها و حیاط های مرکزی مرتبط با هر سرا)</li> <li>- وجود کاربری های فرهنگی و تفریحی در قسمت های مختلف</li> </ul>	سمانه ایزدی زمان آبادی، ۱۴۰۳
تنوع ادراکی در تجربه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تجربه فضایی غنی به واسطه حواس پنج گانه در کاربرد خاص مصالح و ویژگی های هر یک در خلق احساس متفاوت در مخاطب به لحاظ جنس، رنگ، فرم و غیره.</li> <li>- ارتباط با طبیعت و تنوع کاربری های</li> </ul>	



 <p>سمانه ایزدی زمان آبادی، ۱۴۰۳</p>	<p>-مشاهده احساس تعلق شهروندان و مخاطبان به فضا به واسطه: - حضور مطمئن آنان به مثابه تجربه فضایی آشنا -تمایل و راحتی در رفتار تجربه کنندگان جهت شناخت بخش‌های مختلف مجموعه -تمایل به ماندن در فضا و سپری کردن مدتی طولانی از اوقات فراغت خود در ساعات مختلف روز در مجموعه</p>	<p>تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه</p>	
 <p>سمانه ایزدی زمان آبادی، ۱۴۰۳</p>	<p>-مطرح شدن مجموعه به عنوان نشانه شهری در ذهن مخاطبان و ماندگاری آن -احیای تصویر ذهنی پیشین فضا در ذهن مخاطبان آن -تبدیل شدن به عنصر آشنا در فضای شهری برای بازدید و حضور گردشگران</p>	<p>آشنایی ذهنی و ماندگاری</p>	
 <p>URL1</p>	<p>-مسیر خلاقه طرح فضا -به دلیل انعطاف پذیری فضا و متنوع بودن فضا شاهد فضاهای تجمعی و اشتراکی در خانه تاریخی دهدشتی بوده و با وجود فضاهای تو در تو بدون محدودیت ورود مثل وجود ۵ یا ۳ دری این امکان فراهم شده است.</p>	<p>فضای تجمعی و اشتراکی</p>	
 <p>URL1</p>	<p>-قابلیت مجموعه در همراه ساختن و جهت دهی رفتار مخاطبان بر اساس مفاهیم کالبدی ویژه خود -مشاهده حرکت مستمر در فضای راسته‌ها، درنگ و تمایل به توقف مخاطبان در فضای اندرونی، دالان و نیز حیاط مرکزی مجموعه</p>	<p>فضای واکنش برانگیز</p>	
 <p>URL4</p>	<p>باتوجه به اینکه خانه دهدشتی در منطقه درجه ۱ از بافت های تاریخی اصفهان قرار دارد همچنان هماهنگی خود را با زمینه دارا بوده و محرمیت، امنیت، دید بصری مطلوب آن حفظ شده است.</p>	<p>فضایی هماهنگ با زمینه</p>	
	<p>-تجربه فضا و فضا سازی و دیدن و هضم کردن، اندیشیدن در کم و کیف آن -تجمع تمامی ادراکات -دریافت پاسخی مثبت برای هر حس</p>	<p>فضایی دارای غنای احساسی</p>	

 <p>URL3</p>	<p>-قابلیت مجموعه در همراه ساختن مخاطب با خود (مشاهده رفتار متفاوت از مخاطبان در بخش‌های مختلف؛ درنگ، حرکت و...)                  -بیان ارتباط کیفیت فضایی با ذهنیت مخاطب</p>	
 <p>URL2</p>	<p>-مشاهده فعالیت‌های اختیاری به جهت قابلیت‌های عملکردی مجموعه: استراحت، بازدید از بخش‌های مختلف مجموعه، برگزاری جشن، برگزاری جلسات</p>	<p>فضایی مجهز به کیفیت فعالیت‌ها</p>

جدول ۹ نشان می‌دهد که خانه تاریخی دهدشتی اصفهان قادر است سطوح مختلفی از معانی را نمایان کنند. فضاهای چنین خانه‌ای علاوه بر پاسخگویی به نیازهای روزمره، نیازهای مختلف روانی او را پاسخگو هستند. خانه تاریخی با انسان هویت می‌گیرد و به او هویت می‌بخشد و با درگیر کردن حواس پنجگانه انسان، به شناخت ضمنی او از خانه رنگ می‌هد. در فرایند ادراک خانه دهدشتی اصفهان، مغز انسان اطلاعات بصری، شنیداری، بویایی و حتی لامسه را با هم ترکیب می‌کند تا به یک ادراک یکپارچه دست یابد که حضور آگاهانه فرد را با تمام حواس خود در این فضا و در فرآیند ادراک نشان می‌دهد و در واقع این شخصیت موجودی است که در وجود فضای خانه و اطراف آن نفوذ می‌کند و با آن یکی می‌شوند. در ادراک حسی فضای خانه دهدشتی اصفهان، همه حواس با هم درگیر هستند و ادراک نهایی فضا بر اساس انواع حواس، بدون برتری ظاهری هیچ یک از آنها (به ویژه بینایی) صورت می‌گیرد. فهم مبتنی بر حواس، ناب و در عین حال ساده و بی تکلف است تا بستری برای تفسیری نو و بدیع از پدیده خانه، آنچنان که در ادراک حسی و تجربه ادراکی انسان حضور و اهمیت دارد، فراهم کند.

## فهرست منابع

- املی رضوی فر، (نو-انگلیز) و غفاری، حسین. (۱۳۹۰). "نشانه‌شناسی پیرس در پرتو فلسفه، معرفت‌شناسی و نگرش وی به پراگماتیسم". نشریه فلسفه، سال ۳۹ شماره ۲، ۳۶-۵۰. <https://civilica.com/doc/5-2-36-1796286>
- ازنب، مریم، موسوی، سید جلیل، هنرور، جمال الدین. (۱۴۰۱)، "بررسی حس دل‌بستگی در نگرشی پدیدارشناسانه به مکان: تفسیری از تجربیات زیسته افراد"، تحقیقات فرهنگی ایران سال پانزدهم بهار ۱۴۰۱ شماره ۱ (پیاپی ۵۷). <https://www.doi.org/10.22030/jicr.10.22030.2022.2894.3251>
- پالاسما، یوهانی، (۱۳۹۳)، *چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی*، ترجمه: رامین قدس؛ تصحیح و ویرایش علی اکبری، تهران: پرهام نقش.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۱). "حرفی از جنس زمان نگاهی نو به شیوه‌های آموزش معماری در ایران". هنرهای زیبا، (۱۲)-۵۰-۵۸. <https://sid.ir/paper/fa431880SID>
- شیرازی، محمدرضا. (۱۳۸۹). "پدیدارشناسی در عمل (آموختن از تحلیل پدیدارشناختی پالاسما از ویلا مایرا)". معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۳(۴)، ۱۲۵-۱۳۳. <https://sid.ir/paper/fa202440SID>
- عبدالکریمی کومله، حافظ، ذبیحی، حسین، دانشجو، خسرو. (۱۴۰۲)، "تبیین معیارهای مؤثر پدیدارشناسی هرمنوتیکی مکان در فرایند طراحی معماری". *کیمیای هنر پاییز ۱۴۰۲ - شماره ۴۸*، ب (وزارت علوم/ ISC ۲۴ صفحه - از ۱ تا ۲۴).

- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۸۵). *فارابی و سیر شهروندی در ایران*، چاپ دوم، تهران، نشر فضا.
- کریمی، پاملا. (۱۴۰۰). *کتاب زندگی خانگی و فرهنگ مصرفی در ایران، انقلاب‌های داخلی در عصر مدرن*. ترجمه: زهرا طاهری. انتشارات: شیرازه.
- کریمی، مهشید. حجت، عیسی. شهبازی چگنی، بهروز. (۱۳۹۷). "جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن". *باغ نظر*، ۱۵(۶۱)، ۵-۱۶. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/bagh.۱۰۲۲۰۳۴.۲۰۱۸،۶۳۸۵۹
- مرلوپونتی، موریس. (۱۳۹۱). *جهان ادراک*، ترجمه فرزاد: جابر الانصار. تهران: ققنوس.
- مرلوپونتی، موریس. (۱۴۰۳). *پدیدارشناسی ادراک*. ترجمه فرزاد: علیا، مسعود. تهران: انتشارات نی. ۶۶۴.
- نور برگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۷). *معماری: حضور زبان و مکان*، ترجمه علیرضا سید احمدیان. تهران: انتشارات: نیلوفر، چاپ دوم.
- نصرت پور، دریا، انصاری، مجتبی، پورمند، حسنعلی. (۱۴۰۰). "بررسی مؤلفه های پدیدارشناختی یوهانی پالاسما در بستر جغرافیای تاریخی مکان (نمونه موردی: میدان حسن آباد)" *جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای* سال ۱۲ زمستان ۱۴۰۰ شماره ۱ (پیاپی ۴۵). <https://www.doi.org/۱۰.۲۲۰۳۴/jgeoq.۱۰۲۲۰۳۴>
- هال، استیون؛ پرز - گومز، آلبرتو؛ پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۶). *پرسش‌های ادراک*، پدیدارشناسی معماری، ترجمه: علی اکبری و محمدامین شریفیان، تهران، پرهام نقش.
- Altman, Irwin & Low, Setha. (2012), *Place Attachment*: Plenum Press.p305
- Marshall, George, (2008), *A GUIDE TO Merleau-Ponty's Phenomenology of Perception, Milwaukee, Wisconsin*: Marquette University Press.
- Martyńska, Elżbieta Cizewska.(2024). *Hope and Meaning: Phenomenology in the Thought of Leszek Kolakowski, Józef Tischner, and Václav Havel*, April 2024Modern Intellectual History 21(2):1-28, <http://dx.doi.org/10.1017/S1479244324000064>
- Rapoport, Amos. (1969), *House, Form and Culture*. New Jersey: Prentice-Hall. Inc. Englewood Cliffs, 969, 46.
- RezadoostDezfuli , Raziye , Mohammad , Behnaz Safar, AliNajar , Hassan Bazazzadeh , Mohammadjavad Mahdavinejad,(2024). *Geometric investigation of entrance proportions of houses from the Qajar to the beginning of the early Pahlavi in Dezful City (1789–1979)*, *Frontiers of Architectural Research* Volume 13, Issue 1, February 2024, Pages 57-78
- Seamon, Dyvid. (2020). *Place attachment and phenomenology: The dynamic complexity of place*. In *Place attachment* (pp. 29-44). Routledge.
- URL1: safarmarket.(2024). Dehdashti House. Retrieved September 25, 2024, from <https://safarmarket.com>
- URL2: letsgotrip.(2024). Dehdashti House. Retrieved September 25, 2024, from <https://letsgotrip.ir>
- URL3: bing.(2024). Dehdashti House. Retrieved September 25, 2024, from <https://www.bing.com/images>
- URL3: google maps.(2024). Dehdashti House. Retrieved September 25, 2024, from <https://www.google.com/maps>
- Van Manen, Max. (1997). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy, ON: The Althouse Press*, London.
- Varmaghani, Hosna. (۲۰۲۱). *Study of Components Reading in the Individual-Collective Space of the Courtyard in Traditional House (Historical Houses of Central Iran in the Qajar and Safavid Eras)*. *Life Space*, 1(1): 117-138. [In Persian]
- Varmaghani, Hosna. & Soltanzadeh, Hossein. (۲۰۲۰). *Analysis of lifestyle and Types of Rural Housing in the Historical Geography of Mazandaran (19th and 20th centuries)*. *Architectural Engineering & Urban Planning*, 30(2): 222-235.
- Wells, Jeremy C, & Baldwin, Elizabeth D. (2012). *Historic preservation, significance, and age value: A comparative phenomenology of historic Charleston and the nearby new-urbanist community of I'On*. *Journal of Environmental Psychology*, 32(4), 384-400.
- Yazdi, Hadi, Shina Sad Berenji, Ferdinand Ludwig, and Sajad Moazen. (2022). "Deep Learning in Historical Architecture Remote Sensing: Automated Historical Courtyard House Recognition in Yazd, Iran" *Heritage* 5, no. 4: 3066-3080. <https://doi.org/10.3390/heritage5040159>

